

نبرد آماری بر سر سهم واقعی دستمزد در هزینه تولید

با وجود آنکه کارفرمایان بخش اعظمی از هزینه‌های خود را متوجه دستمزد نیروی کار می‌دانند، کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی معتقدند که دستمزد در قیمت‌تمام شده تولید سهم پایینی دارد و بیشترین هزینه‌ای که متوجه بنگاه‌های اقتصادی است، عوارض و مالیات‌ها، هزینه بالای تامین مواد اولیه و کمبود نقدینگی است.

به گزارش شبکه خبری تعاون، با وجود آنکه کارفرمایان بخش اعظمی از هزینه‌های خود را متوجه دستمزد نیروی کار می‌دانند، کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی معتقدند که دستمزد در قیمت تمام شده تولید سهم پایینی دارد و بیشترین هزینه‌ای که متوجه بنگاه‌های اقتصادی است، عوارض و مالیات‌ها، هزینه بالای تامین مواد اولیه و کمبود نقدینگی است.

یکی از موضوعات مهم و اثرگذار در بازار کار، تعیین حداقل دستمزد است. این اقدام در راستای حمایت از نیروهای کار و حفظ قدرت خرید و افزایش رفاه شاغلین در بازار کار صورت می‌گیرد ولی ماهیت اصلی این مساله بیشتر به دلیل تاثیر اجتماعی و اقتصادی آن است.

در حال حاضر عوامل مختلفی از جمله «دستمزد» قیمت تمام شده کالا و خدمات را تعیین می‌کند. در اینباره دیدگاه‌های مختلفی در خصوص سهم دستمزد در قیمت تمام شده وجود دارد که به اعتقاد گروه کارگری، کمتر از ۷ درصد و گروه کارفرمایی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است و البته از نگاه کارشناسان بازار و فعالان کارگری سهم دستمزد در قیمت تمام شده تولید بین ۹ تا ۱۳ درصد است.

در دیگر کشورها ۷۰ درصد هزینه تمام شده محصول دستمزد نیروی کار است و کارفرما مشکلی در بحث تامین مواد اولیه ندارد، اما در کشور ما مواد اولیه به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های خارجی و حذف ارز ترجیحی و معیوب بودن یا استهلاک دستگاه‌ها با هزینه بالایی تامین می‌شود و همین امر روی قیمت نهایی محصول اثرگذار است.

به گفته این مقام مسئول کارگری افزایش دستمزد کارگران موجب افزایش تورم نمی‌شود و در تمام دنیا ثابت شده که اگر مزد افزایش پیدا کند قدرت خرید بالا می‌رود و امکان خرید محصولات به وجود می‌آید در نتیجه کالای با کیفیت تولید می‌شود و موجب تعدیل قیمت‌ها و کاهش تورم می‌شود.

از نگاه کارشناسان و فعالان کارگری هزینه دستمزد در بخش‌های مختلف اقتصاد متفاوت است و بین ۹ تا ۱۳ درصد می‌شود.

پیش از این نوح منوری - استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران - در همایش تخصصی تنظیم روابط کار، سهم دستمزد در هزینه بنگاه‌ها را متفاوت اعلام کرده و گفته بود: در واحدهای تولیدی بزرگ یا نوآور، این سهم ناچیز است و افزایش به راحتی به قیمت محصول منتقل می‌شود، ولی در بنگاه‌های خدماتی با حاشیه سود کم، تأثیر بیشتری دارد.

وی معتقد است که آمار خط فقر، سبب معیشت و فاصله فزاینده دستمزد با هزینه‌های زندگی واضح است، اما تمرکز صرف روی درصد افزایش، بن‌بست ایجاد می‌کند و استدلال‌هایی مانند تورم‌زا بودن دستمزد یا نابودی کسب‌وکارها را تقویت می‌کند.

در حال حاضر قیمت تمام شده محصول به معنی هزینه‌های مستقیم ایجاد محصول توسط یک بنگاه اقتصادی و شامل هزینه مواد مصرفی و هزینه نیروی کار است. به طور کلی بهای تمام شده به هزینه‌هایی گفته می‌شود که مستقیماً برای تولید کالا یا ارائه خدمات صرف می‌شوند. این هزینه‌ها شامل مواد اولیه، دستمزد نیروی کار و هزینه‌های سربار تولید است و این شاخص برای محاسبه سود ناخالص و تحلیل مالی کسب و کارها بسیار مهم است.

با وجود آنکه کارفرمایان بخش اعظمی از هزینه‌های خود را متوجه دستمزد نیروی کار می‌دانند تحلیلگران اقتصادی بر این باورند که دستمزد در قیمت‌تمام شده تولید و کالای کارفرما سهم پایینی دارد و بیشترین هزینه کارفرمایان را عوارض و مالیات، کمبود نقدینگی و هزینه تامین مواد اولیه شامل می‌شود.